

گزارشی از نشست نقد و بررسی پویانمایی (انیمیشن) درون و برون (Inside out)

از منظر روان‌شناسی، فلسفه ذهن و علوم تربیتی و فلسفه برای کودکان

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سه‌شنبه مورخ ۲۲ دی ماه سال ۱۳۹۴

با خوش‌آمدگویی جناب آقای دکتر ناجی و دعوت از حضار برای تماشای نمایش انیمیشن، آغاز شد. پس از اتمام نمایش، جناب آقای دکتر کریمی سخنان خود را آغاز نمودند.

پس از آن سرکار خانم هدایتی، به نقد از انیمیشن پرداختند و بعد از اتمام سخنان ایشان آقای دکتر شیخ‌رضایی درباره این انیمیشن مطالبی را عنوان کردند. در پایان هم جناب آقای دکتر ناجی نظرات خود را درباره این انیمیشن بیان فرمودند.

در زیر پاره‌ای از مطالبی که استاتید اظهار داشتند به اختصار ذکر گردیده است.

جناب آقای دکتر روح‌الله کریمی:

آنچه فیلم بر آن تأکید می‌ورزد این است که کنترل ما به دست عواطف ماست. فیلم مبتنی بر یک نگاه ماشین‌نویستی عمیق به انسان است. رایلی در واقع یک انسان نیست، بلکه ربای است پیچیده که رفتار و نیایش را «اشخاصی» دیگر در درون او، عواطفش در درجه اول و کارگران بخش خاطراتش در درجه دوم، کنترل می‌کنند. رایلی شبیه عروسک خیمه‌شب‌بازی است که تیم مستقر در مقر فرماندهی در ذهنش، او را کنترل می‌کنند.

آنچه انیمیشن «درون و برون» به ما نشان می‌دهد ترکیبی شگفت، تحت تأثیر روان‌شناسان و دانشمندان علوم شناختی معاصر، از رویکرد دکارتیان عقل‌گرا و رویکرد هیوم تجربه‌گراست. «اراده» در دکارت فعال است و ادراکات، احساسات و تصورات همگی در هیوم منفعل‌اند. در «درون و برون» همچون هیوم با مجموعه‌ای از عواطف مواجهیم که موجب شکل گرفتن تصور ما از آنچه «خود» می‌دانیم می‌شوند، اما بر خلاف تصور هیوم، این عواطف دارای مشخصاتی هستند که دکارتیان به اراده نسبت می‌دادند، یعنی عواطف فعالند و آنچه آنها درون ما انجام می‌دهند، موجب رفتاری می‌شود که برای ما در بیرون قابل مشاهده است. خلاصه اینکه، در «درون و بیرون» پیوند غریبی میان عواطف هیومی و اراده دکارتی برقرار شده است. هیوم و بعدها پوزیتیویست‌های طرفدار او، همواره به نقد اراده از این منظر پرداخته بودند که اراده گویی در جعبه سیاهی است که قابل تبیین نیست و مشخص نمی‌شود که بالاخره چگونه عامل محرکه می‌تواند باشد. عواطف هیومی چون خود منفعل بودند دچار این اشکال نمی‌شدند. اما وقتی عواطف هیومی دارای همان مشخصات اراده دکارتیان می‌شود و از حالت انفعال درآمده و فعال می‌گردند، این پرسش به درستی قابل طرح است که اگر قصد طبیعت‌گرایان از دست کشیدن از اراده، قابل تبیین نبودن آن و در نتیجه انکار آن بوده است، چگونه بار دیگر به عواطفی قائل شده‌اند که دقیقاً همان ویژگی را دارد. اگر بخواهیم به طور عینی‌تر پرسش کنیم چه کسی به «شادی» دستور می‌دهد که بعد از شنیدن حرف مادرش، باید دکمه لبخند را فشار دهد؟ اگر رایلی به طور خودانگیخته‌چنین کرده است، چه تفاوتی با اراده خودانگیخته که تجربه‌گرایان در تلاش برای عبور از آن

بودند، خواهد داشت؟ همچنین در «درون و برون» جایی برای باورها، شناخت و تفکر ما و نقشی که می‌تواند در داوری‌ها و رفتار ما ایفا کند، در نظر گرفته نمی‌شود.

سرکار خانم دکتر مهرنوش هدایتی:

فیلم دو ایده بزرگ در خصوص هیجانات را ارائه می‌دهد:

- ۱- هیجانات عامل اساسی در نگرش ما به جهان هستند. هیجانات تاثیر بسزایی بر ادراک ما، توجه ما، حافظه ما و قضاوت‌های ما دارند. این هیجانات ما هستند که ما را در وضعیت‌های مهم زندگی راهنمایی می‌کنند.
- ۲- افراد در سنت‌ها و فرهنگ‌های مختلف تمایل دارند که هیجانات را با یک واژگان اجتماعی یا دستور زبان تعاملی ارجاع دهند. هیجانات به تعاملات ما با سایر افراد هم ساختار و هم محتوی می‌بخشد. مثلاً وقتی فردی عاشق دیگری می‌شود در تمامی جوامع میل دارد برای او هدیه یا گل بخرد، او را لمس کند، به او بنگرد، برایش شعر بسراید و ... تمام این بافت ارتباطی از احساس ما نشأت می‌گیرد و شاید همین هیجان و احساس است که فراتر از هر مرز و بومی انسان‌ها را به یکدیگر متصل می‌سازد. اگر زبان فیلم دوبله نشده بود و ما فقط تصاویر را می‌دیدیم به راحتی تشخیص می‌دادیم که رابلی وقتی غمگین است سعی می‌کند به خاطرات خوب گذشته چنگ بیندازد.

جناب آقای دکتر شیخ‌رضایی

از انیمیشن درون و برون می‌توان در حلقه‌های کندوکاو استفاده کرد و موضوعاتی مربوط به فلسفه ذهن را به بحث گذاشت. به خصوص سه موضوع در این انیمیشن جالب توجه است. مساله اول مربوط به عواطف است. در این فیلم با پنج عاطفه اصلی آشنا می‌شویم و همین می‌تواند دستمایه پرسش‌های خوبی قرار گیرد. مانند اینکه اصولاً عواطف چیست. عواطف اصلی کدام است. چرا عواطف مهم است و آیا می‌توان عواطف را از هم تفکیک کرد یا خیر. آشنایی با عواطف گام اول برای تقویت حس همدلی در کودکان است و بدون همدلی اخلاق نیز شکل نخواهد گرفت

موضوع دوم به خود یا خویشتن مربوط است. چه چیزی من را همان شخص چند سال پیش می‌کند. به عبارت دیگر چیستی و کیستی من به چه عاملی بستگی دارد. در این انیمیشن تاکید زیادی بر حافظه شده است و گویی حافظه به عنوان تعریف کننده هویت شخصی در نظر گرفته شده است. این می‌تواند دستمایه پرسش‌هایی درباره هویت شخصی و نقش خاطرات در تداوم آن باشد

سرانجام موضوع سوم به مغالطه آدمک مربوط است. در این انیمیشن چنان نشان داده شده است که در ذهن ما آدمک‌هایی وجود دارند که کار ادراک و مدیریت عواطف را بر عهده دارند. این موضعی قدیمی در فلسفه ذهن است که در قرن‌های پیش مدافعانی داشته است. اما امروزه می‌دانیم که چنین فرضی مغالطه آمیز است. بحث درباره مزایا و معایب نظریه آدمک و قدرت تبیینی آن در فلسفه ذهن هم موضوع دیگری است که با این انیمیشن می‌شود درباره آن با کودکان و نوجوانان بحث کرد

آقای دکتر سعید ناجی

این سخنرانی به تبیین پذیری وجود انسانی در روانشناسی و دیدگاه فلسفه برای کودکان اختصاص دارد. روانشناسی از یک سو چون علم است از لحاظ معرفتی نمیتواند بالاتر از علوم دیگر قرار گیرد. بر اساس نتایج اخیر معرفت‌شناسی علوم

نمی‌توانند حکم نهایی را صادر کنند و تنها معارف و نظریاتی را در اختیار ما می‌گذارند که بطور موقتی بتوان مشکلات روزمره را رفع و رجوع کرد. این حکم در خصوص روانشناسی هم صادق است این در حالیکه روانشناسان گهگاه دیده میشود که در باره انسان ها بویژه در باره ذهن آنها با اطمینان و قاطعیت سخن گفته و حکم صادر میکنند. اما باید در نظر گرفت که مدعیات این رشته هم فقط یک نظریه اند و اعتبار نظریات روانشناسی نمیتواند بیش از اعتبار دانش های تجربی دیگر باشد. بخشی از روانشناسی که مربوط به دوران پوزیتیویسم است هنوز همان سبک و لحن را بویژه در کشورمان حفظ کرده است. این جزو فرهنگ شده و مردم به روانشناسان به چشم افرادی نگاه میکنند که از حقایق درون آنها و درون انسان خبر میدهند. اما روانشناسی نقطه ضعف دیگری هم دارد که این موضوع در اگزستانسیالیسم با تعریفی که از وجود فی نفسه، لئفسه و لغیره داده میشود مشخص میشود. بر این اساس انسان بر خلاف اشیا که تعریف ثابتی دارند موجودی است که خودش را تعریف میکند. ما شاید بتوانیم در باره اشیا حکم هایی صادر کنیم که نزدیک به حقیقت باشد یا ارتباط ما را با آن اشیا به نحوی سرو سامان دهد ولی هیچ علمی نمیتواند در باره انسان همین حکم موقتی را صادر کند. این خود انسان است باید خودش را تعریف کند. انسان به هر نحوی که تعریف شود به خاطر اختیار و آزادی اش از زیر آن تعریف بیرون می‌لغزد. این تعریف ناپذیری انسان و کودک به نحوی در برنامه فبک مورد توجه واقع شده است. بنابراین سخن گفتن از انسان و یا بخشی از وجود انسانی که اراده و اختیار را برای او به ارمغان می آورد که اصطلاحاً به عنوان نفس یا خود شناخته میشود کاری سخت بلکه غیر ممکن است. از این رو روانشناسان یا از این امر سخن نمیگویند و یا آنرا به فراموشی سپرده و یا کتمان میکنند. در انیمیشن اینساید آوت و به احتمال زیاد نظریه روانشناسی پشتوانه آن این اتفاق افتاده است.

در کلاسهای برنامه فلسفه برای کودکان خودشان هستند که خودشان را تعریف میکنند. برنامه درسی قبلی بر اساس روانشناسی تربیتی برای آنها تدارک دیده نمیشود. آنها علائق، دغدغه ها و سوالهای خود را مطرح میکنند و و پاسخها و راه حل های خود آنهاست که به پرسشهایشان داده میشود. یعنی خودشان کندوکاو می کنند و به پاسخهای خود میرسند. از این جهت برنامه فلسفه برای کودکان تاثیری بیش از راه حل هایی که روانشناسی برای مشکلات و مسائل آنها پیشنهاد میکند دارد. آنها مشکلات و مسائل خود را شناسایی و راه حل های خود را میابند و این موجب ایمان به آن راه حل و تصمیم جزمتر برای رفع آن مشکل است به همین منوال مسائل و ارزشهای اخلاقی هم به سرعت قابل رفع است.